

## بازتاب

## پاسخ علی عباسی به بهمن فرمان آرا

● روزنامه «شرق» ۲۴ فروردین گفت‌وگویی با بهمن فرمان‌آرا انجام داده بود که در پی آن علی عباسی، تهیه‌کننده شناخته‌شده سینما، توضیحاتی ارائه کرده که به این شرح است: «اخیرا آقای بهمن فرمان‌آرا در مصاحبه‌ای در روزنامه «شرق» پیرامون کتاب خاطرات‌شان (هفتادوپنج سال اول به روایت بهمن فرمان‌آرا) گفته‌اند که «پس از آمدن‌شان به «سازمان گسترش صنایع سینمایی»، دیدند که «بایستی فیلم‌هایی بسازند که با فیلم‌های برادران صادق پور و علی عباسی متفاوت باشد.»



من همیشه به نزدیکانم توصیه می‌کنم به بی‌اعتنایی به حرف‌ها دیگران، ولی این را گاهی درباره خودم به کار نمی‌گیرم؛ چون گاه موردش خیلی دردناک می‌شود، مثل همین جمله این عزیز که شائبه تحقیرکردن در آن نمایان است. اول اینکه آقای فرمان‌آرا اگر می‌خواستند مثل «صادق پور» فیلم بسازند، نمی‌توانستند، چون تجربه ساخت فیلم «خانه قمرخانم» را داشتند ولی فیلم «آقا مهدی کله‌پو» آقای صادق پور خیلی موفق‌تر از فیلم ایشان شد. اگر هم می‌خواستند مثل من فیلم بسازند توانایی‌ش را نداشتند، چون تمام آن فیلم‌هایی که با بودجه دولت در سازمان گسترش ساخته شد، حتی معادل درآمد اولین فیلمی که من برای آن سازمان ساختم (خانه خراب) نمی‌شد. در همان زمانی که او «خانه قمرخانم» را می‌ساخت، من «حسن‌کچل» و «رضاموتوری» ساختم. و حال ایشان می‌فرمایند که فیلمی می‌خواستند بسازند که به فیلم‌های من شبیه نباشد! متأسفم که در این سن‌وسال هنوز هم ما مطالبی می‌گوییم که در طنز در برابرس ساده به نظر می‌آید!

امیدوارم این دوست عزیز بداند که فیلم‌سازی در آن شرایط اگر از جیب خود آدم بود و فیلم مؤثر و محکمی می‌شد شانه‌کار بود و هیچ‌وقت قابل مقایسه با ساخت فیلم با بودجه دولتی نبود. و نیست. کم‌اینکه همان زمانی هم که ایشان در «سازمان گسترش» بودند، فقط فیلم بیضالی و تقوایی نمی‌ساختند و برای خودشان فیلمی می‌ساختند مانند «در امتداد شب» که در گیشه هم موفق باشد. امیدوارم که یک مقدار انصاف در این آخرین سال‌های زندگی‌مان جاشنی گرفته‌هایمان بکنیم، چون بی‌انصافی در این موقعیت سنی زیاد زینده ما نیست. برای ایشان آرزوی توفیق و اصلاح در گفتار می‌کنم.»

## خبر

«**بندر بند**» در **شانزدهمین حضور بین المللی**

● اولین نمایش فیلم «بندر بند» در بلژیک، بر پرده جشنواره فیلم «مووو» رخ خواهد داد.

فیلم «بندر بند» به کارگردانی منیژه حکمت و به تهیه‌کنندگی مشترک او و مهشید آهنگرانی‌فراهانی، به همراهی فرهاد فرونی به‌عنوان کارگردان هنری و پخش بین‌المللی شرکت ایرمیاز در پانزدهمین حضور بین‌المللی در جشنواره فیلم مووو به نمایش درمی‌آید. این فیلم که در روزهای اخیر، جایزه «نتیک» از جشنواره فیلم‌های کوهستانی اولجو دریافت کرده‌است، پیش از این در جشنواره‌هایی چون تورنتو، زوریخ، میل ولی، بسلفر، فیلم‌هایی از جنوب، هاینل و آیلند .. حضور داشته و در جشنواره کلکته جایزه بهترین فیلم را از آن خود کرده است. گفتنی است جشنواره فیلم مووو که با اختصاص بخشی ویژه به سینمای ایران، بنا بود در دو هفته و به شکل حضوری از ۳۱ فروردین سال جاری در شهر بروژ برگزار شود، بسا توجه به محدودیت‌های جدید کرونایی به رضا مجازی برگزار خواهد شد. و اما «بندر بند» را رضا کولغانی، امیر حسین طاهری، مهلا موسوی و پگاه آهنگرانی بازی کرده‌اند و گروه نویسندگان، طراحان و تولید این فیلم عبارت‌اند از:

کارگردان: منیژه حکمت
فیلمنامه: منیژه حکمت / مصطفی زندی
کارگردان هنری: فرهاد فرونی
مدیرفیلم‌برداری: سجاد آورد
تدوین: نوید توحیدی
موسیقی متن: فرشاد فرونی
طراحی و ترکیب صدا: آرش قاسمی
طراح صحنه و گرافیک: فرهاد فرونی
طراح لباس: ندا نصر
صدابردار: محمد حسین کاوه
مدیرتولید: جعفر عروچی
جانشین تولید: داریوش حکمت
پشتیبانی تولید: افروز شادکی
محصول بامداد فیلم و کپ فیلم

مستند هفت‌قسمتی «آقا مرتضی» به قول سازندگانش روایتی متفاوت و بدون سانسور از زندگی شهید اهل قلم، سیدمرتضی آوینی است که به‌تازگی از تلویزیون پخش شده است.

در بخشی از مستند «آقا مرتضی»، به ماجرای رابطه سیدکامران (مرتضی) آوینی با غزاله علیزاده، نویسنده و رمان‌نویس مشهور، اشاره شد؛ هرچند تأکید بر این نکته بود که این علیزاده بوده که به کامران، «کشش» داشته و اینکه: «مرتضی بت خوبی برای غزاله بوده است!» اشاراتی از این دست باعث شد حواشی‌ای درباره این فیلم مستند رقم بخورد و با اعتراض شدید خانواده آوینی و نیز فیلم‌سازانی که از آثار آنها در این مستند بدون اجازه استفاده شده، مواجه شود.

پیش‌تر دراین‌باره مریم امینی، همسر سیدمرتضی آوینی، به ایسنا گفته بود: «وقتی بخش اول مستند

را دیدم، واقعا احساس کردم یک تعرض به خانواده‌ام صورت گرفته و زیاده‌گذراستن حریم خانواده را با پرده‌دری و وقاحت باور نمی‌کردم. ضمن اینکه استفاده از راش‌هایی که متعلق به تهیه‌کننده این مستند نیست نیز حیرت‌آور است و راه را برای شکایت صاحبان دیگر فیلم‌ها باز می‌گذارد.»

بنیاد فرهنگی روایت فتح درباره استفاده از آرشیو این مجموعه در مستند حاشیه‌دار «آقا مرتضی» نیز اعلام کرد: «خروج حجم بسیار از آرشیو بنیاد که برخی از آنان به دلایل متفن از سوی مدیران وقت گروه به صورت محرمانه نگهداری می‌شد، در زمان تصدی مسئول سازمان اوج در بنیاد فرهنگی روایت فتح و به دستور شخص ایشان از آرشیو بنیاد خارج و در اختیار عوامل مستند مذکور قرار گرفته است.»

اشاره صریح بنیاد فرهنگی روایت فتح به شخص «احسان محمدحسینی» مربوط می‌شود که زمانی خود رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح بود که البته از آن منفک شده و اکنون ریاست مؤسسه فرهنگی– رسانه‌ای اوج –تهیه‌کننده مستند آقا مرتضی– را عهده‌دار است. حالا حدود دو هفته پس از شروع اعتراض‌ها به پخش این مجموعه، بنیاد فرهنگی روایت فتح درباره حواشی پیش‌آمده درخصوص تولید و پخش مجموعه مستند «آقا مرتضی» بیانه‌ای را منتشر کرده است.

به گزارش روابطعمومی بنیاد فرهنگی روایت فتح، در این بیانه آمده است: «باسمه تعالی شانه؛

اتفاقات پیش‌آمده پس از پخش سریال مستند «آقا مرتضی» به تهیه‌کنندگی سازمان هنری– رسانه‌ای اوج و واکنش‌های خانواده شهید سیدمرتضی آوینی و یاران ایشان در جهت نقد و بسا تأیید نوع و محتوای روایت این سریال مستند و اعلام اعتراضی کارگردانان، هنرمندان و مصاحبه‌شوندگان متعدد به عدم رضایت‌شان در استفاده از آثار و گفتارشان در مستند مذکور که متأسفانه نمی از آنان از آرشیو گروه مستند روایت فتح استخراج شده است، ما را برآن داشت تا ضمن درخواست از همه دوستان به خویشنداری و نقد اثربخش در رفع این عارضه بزرگ که قلب بسیاری از جمله خانواده شهید عزیز را نیز آزرد، اقدامات مؤثری را تدبیر و اجرا نماییم.

ضروری است به استحضار همه دغدغه‌مندان و هنرمندان این عرصه و مخصوصا پیش‌گسوتان روایت فتح برساینم که خروج این حجم بسیار از آرشیو که برخی از آنان به دلایل متفن از سوی مدیران وقت گروه به صورت محرمانه نگهداری می‌شده، در زمان تصدی مسئول سازمان اوج در بنیاد فرهنگی روایت فتح در پایان سال ۱۳۹۶ و اوایل سال ۱۳۹۷ و به دستور شخص ایشان از آرشیو بنیاد خارج و در اختیار عوامل مستند مذکور قرار گرفته است. در حال حاضر بنیاد فرهنگی روایت فتح در جهت حمایت و صیانت از هویت و اصالت هنرمندان و پیش‌گسوتان و خانواده‌های شهدای روایت فتح، بر اساس

## هنر

# حواشی مستند «آقامرتضی» همچنان ادامه دارد



مستندات موجود، پیگیری‌های خود را از مسیر قانونی (حقوقی و قضائی) تا حصول نتیجه به دور از هیجانات رسانه‌ای در قالب مکاتباتی با رئیس محترم سازمان صداوسیما و برخی مسئولین مرتبط در نیروهای مسلح دنبال کرده و نتایج آن را به اطلاع خواهد رساند». در ادامه آمده است: «درخصوص نظام آرشیو گروه مستند روایت فتح و قواعد اجرایی آن، برای دسترسی قاعده‌مند هنرمندان به گنجینه آثار گروه مستند روایت فتح لازم به ذکر است که طی دو سال گذشته ساماندهی دقیقی به همراه نظام استخراج و استفاده از آرشیو تنظیم شده که در حال حاضر ارائه هرگونه خدمات آرشیوی طبق آیین‌نامه‌های وضع شده ارائه می‌گردد. در همین مسیر در سال ۱۳۹۸ بیش از ۱۸۹۶۳ دقیقه و در سال ۱۳۹۹ حدود ۲۷۳۷۶ دقیقه خدمات آرشیو به پژوهشگران و مستندسازان و سازمان‌های دولتی در قالب آیین‌نامه‌های مصوب قرار گرفته است. لازم به یادآوری است، ارائه هرگونه اعلام نظر و بیانیه‌های مرتبط با این موضوع صرفا از طریق روابطعمومی بنیاد فرهنگی روایت فتح انجام خواهد شد. والسلام علی من اتبع الهدی، ۲۹ فروردین ۱۴۰۰ مصادف با رمضان ۱۴۴۲.»

**جوابیه اوج به بنیاد فرهنگی آوینی**

جوابیه احسان محمدحسینی، مسئول سازمان هنری–رسانه‌ای اوج، به بیانیه بنیاد روایت فتح درباره مستند «آقامرتضی»:
عزیزان، دوستان، یسراداران! بنا نداشتیم در این هوای غبارآلود و وانفسای کرونازده و در این سرمای استخوان‌سوز وضعیت سیاسی، اقتصادی و روانی کشور و خندق بلای دولت‌ساخته، وارد حاشیه تکراری و قابل پیش‌بینی عده‌ای از خواص، برای مجموعه‌مستند ماندگار، تأثیرگذار و ارزشمند «آقامرتضی» شوم؛ اما انتشار بیانیه شنازبرده و از سر ذوق و هیجان برخی هم‌سنگرانم در بنیاد روایت، علاوه بر غصه و حیرت، ناگزیرم کرد چندی ظغلی را قلمی کرده و در اختیار اصحاب محترم رسانه قرار دهم. اولاً؛ اگر انتشار این جنس بیانیه‌های عجولانه و سراسر افترا و ادعا باعث دیده‌شدن و مطرح‌شدن دوستانم در رسانه‌ها می‌شود و عطش بر سر زبان افتادشان را سیراب کرده و برای پوشاندن بی‌عملی‌ها و انفعال و بی‌برنامگی برادرانم در برگزاری هرچه باشکوتر سالگرد سید شهیدان اهل قلم و سالار هنرمندان انقلاب و ناتوانی در نخر عبقاید و روایت سرگذشت زندگی سراسر امید آن بزرگمرد، لیباسی دوخته می‌شود، پس الخیر فی ما وقع، بسم‌الله. بیشتر بنویسید و بتازید. ثانیاً؛ مجموعه‌ای که از آن به‌عنوان «آرشیو روایت فتح» یاد می‌شود، در سنوات ماضی و در برخی دوره‌ها مورد دستبردهای شخصی و سوءاستفاده‌های منفعت‌طلبانه و پنهانی قرار گرفته است و باللعجب که صدا از دیوار درآمد اما از هم‌سنگران و مدعیان جدید، خبری نبود. هرگونه پیگیری‌های حقوقی! قضائی! نیز پیشکش!؛ عقل سلیم حکم می‌کرد این آثار که در حال نابودی، فرسایش و بهره‌برداری‌های شخصی

قرار گرفته بود و بیم آن می‌رفت در اثر آتش‌سوزی، حوادث غیرمترقبه در مرکز شهر و یا هر بحران دیگری مورد تهدید واقع شود، در چند نقطه نگهداری و بازسازی شود. در دوره‌ای که این حقیر به پیشنهاد فرمانده محترم وقت سپاه پاسداران و با حکم رئیس محترم وقت سازمان بسیج مستضعفین، با حفظ سمت مأمور به هم‌افزایی شبه‌ادغام و نزدیک‌کردن دو مجموعه مهم هنری و رسانه‌ای سپاه و بسیج شدم، سلسله اقدامات و تصمیمات مطالعه‌شده و جامعی را در همه سطوح و عرصه‌ها برنامه‌ریزی و پیگیری کرده‌ام؛ از طرح توسعه شهرک سینمایی دفاع مقدس تا طراحی ساخت پردیس بزرگ فرهنگی، هنری و سینمایی و نمایشی در میدان فردوسی تهران تا ساخت و بهره‌برداری از سالن تئاتر مقاومت (تماشاخانه سرو) و همچنین بازکردن درب‌های قفل‌شده آرشیو روایت

فتح به روی پژوهشگران و مستندسازان که منجر به جهش کمی و کیفی تولید آثار با مضامین مقاومت و نیز بازتعریف و احیای انتشارات روایت فتح و… شد. این تنها بخش‌های کوچکی از عمر کوتاه مسئولیت این کمترین سرباز با همراهی و مساعدت یاران و هم‌سنگرانم در آن مجموعه عزیز بوده است.

خوداندا مرا به‌خاطر بزبان آوردن و شمردن این قلیل اقدامات ناچیز که وظیفه‌ام بوده بیشخ که اگر کم‌عقلی برخی هم‌سنگرانم نبود، لال می‌شدم و این چند جمله را هم پیش از محاسبه در یوم‌الحساب، نمی‌سوزاندم!

ثالثاً؛ سروران عزیزم این برادرشان را تهدید به پیگیری حقوقی و قضائی در دستگاه‌های ذی‌ربط نظامی نموده‌اند! بسیار خوب، اگر چنین قصدی هم داشتند نیاز به بیانیه سرگشاده و دعوا در ملاعام نبود، باید ظرف این دو سال گذشته که از ریاستشان گذشته، به جای سکوت و تملق، اقدام می‌فرمودند. حالا هم دیر نشده، ما را از چه می‌ترسانند؟! گردنمان از مو باریک‌تر و ارائه اسناد و پاسخ‌گویی حقوقی در دستگاه قضائی را به‌مراتب آسان‌تر و گوارتر از پاسخ‌گویی در محضر حضرت کرام‌الکاتبین می‌دانیم.

رابعا؛ حسن ختام این‌ین یادداشت را بهانه‌ای قرار می‌دهم برای فراخوان عمومی به همه پژوهشگران کاربلد و مستندسازان پرتلاش حاضر در منظومه فرهنگی انقلاب اسلامی برای مراجعه و بهره‌برداری بجا و با برنامه از آرشیو سازمان هنری رسانه‌ای اوج که متعلق به این سرزمین و آب و خاک مقدس است؛ جهت تولید آثار فاخر و ارزشمند بسا موضوع تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و عاشورایی ملت سلحشور این کهن بوم و بَر. همچنین با افتخار یک نسخه کامل از کلیه آثار، تولیدات و آرشیو سازمان هنری رسانه‌ای اوج، برای صیانت و امنیت بیشتر و نگهداری در گنجینه ارزشمند سپاه پاسداران، به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه تقدیم می‌گردد.

و آخر اینکه؛ در این باب گفتنی‌ها بسیار است، اما فعلا به همین مقدار بسنده کردم…

بماند بقیه‌اش!

والسلام

اگر نماند جامه بر تن ذرک

خدا کشتی آنجا که خواهد برد

برقرار باشید.»

مستند «آقا مرتضی» به کارگردانی سیدعباس سیدابراهیمی و تهیه‌کنندگی مهدی مظهر، محصول سازمان هنری– رسانه‌ای اوج و تولیدشده در خانه مستند انقلاب اسلامی است که سازندگان آن را روایتی متفاوت و بدون سانسور از زندگی شهید اهل قلم معرفی کرده بودند.

### نگاه

**نگاهی به فیلم‌های «یدو» و «آبادان یازده، ۶۰»**

## ۲ فیلم در یک نما

### مهدی جخوانی

● به‌تازگی دو فیلم جنگی در سینمای ایران دیده‌ام که عبارت‌اند از «یدو» و «آبادان یازده، ۶۰» که هر دو محصول سال ۹۹ هستند. «یدو» که تازه‌تر است، فیلمی با کارگردانی مهدی جعفری و محصول سال ۹۹ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم شد.

فیلم که براساس داستان «زخم شیر» از صمد ظه‌ری شکل گرفته، سه روزهای اول جنگ مربوط است که مردم آبادان در مقابل حمله یعنی‌ها بی‌دفاع‌اند، عده‌ای در حال ترک شهرند و عده‌ای در حال دفاع.



مادر خانواده به‌هیچ‌وجه حاضر نیست شهر را ترک کند؛ اما پسر بزرگش اصرار دارد که خانواده هرچه زودتر از شهر خارج شود. در کیرودار این کشمکش خانوادگی، اتفاق داستانی شکل می‌گیرد.

«آبادان یازده، ۶۰» با کارگردانی مهرداد خوشبخت هم براساس کتاب مستندی با عنوان «فرکانس یازده شصت» نوشته فضل‌الله صابری ساخته شده است. در این فیلم هم مردم بی‌دفاع آبادان در جنگ گرفتار شده‌اند. تنها وسیله ارتباط جمعی که اخبار را به گوش عموم مردم می‌رساند، رادیو نفت آبادان است. در جایی از فیلم، صدایی به گوش می‌رسد که مستند است: «مردم عبور آبادان… شهر در آستانه سقوط قرار گرفته است». در این فیلم هم مانند فیلم «یدو» نوعی دوراهی مطرح است.

از یک طرف ضرورت تخلیه رادیو و نجات جان کارکنان و از طرفی حفظ سنکر رادیو و به‌کارگیری آن مانند ابزاری برای اطلاع‌رسانی. سرانجام با تدبیر مبتکرانه، نقش خاص یک رسانه در جنگ ایران و عراق ترسیم می‌شود. در هر دو فیلم، جبهه و پشت جبهه یکی هستند و آن شهر آبادان است. هر دو فیلم آثاری مستقل به شمار می‌روند و درواقع تماشای یکی، ما را از تماشای دیگری بی‌نیاز نمی‌کند.

با این‌همه هر دو به نکاتی مشابه توجه کرده‌اند که تأثیرشان را افزایش داده است.



اول اینکه هر دو فیلم به «داستان» اهمیت داده‌اند. بعضی آثار سینمایی به نقل خود واقعه تاریخی بسنده می‌کنند.

تجربه نشان داده است که نقل عین واقعیت، معمولا به خلق اثری هنری ختم نمی‌شود.

بعضی آثار مکتوب با سینمایی روی دوش «تاریخ» سوار می‌شوند و خود را از سوژه داستانی معاف می‌کنند.

از باب نمونه فیلم «تنگه ابوقریب» برای وفاداری به تاریخ، «خود واقعه تاریخی» را به فیلم تبدیل کرده است.

به این جهت آن‌گونه که انتظار می‌رفته، داستانی و دراماتیزه نشده و بیشتر نقل یک واقعه با اتکا به بازیگری جواد عزتی و صحنه‌های اکشن است.

راه میانه این است که فیلم‌نامه‌نویس در کلیات به تاریخ وفادار باشد؛ اما در جزئیات از تخیل و داستان‌پردازی بهره بگیرد.

دومین ویژگی دو فیلم «یدو» و «آبادان یازده، ۶۰» این است که بازیگران‌شان اغلب آبادانی هستند و دست‌کم بازیگران نقش اول

از چهره‌های قدیمی و شناخته‌شده عرصه بازیگری به شمار نمی‌روند. ازاین‌رو ما به یاد نقش‌های دیگرشان در سینما نمی‌اندازند. این موقعیت باعث شده است که مشکلی به نام تقلید ناشیانه لهجه آبادانی هم پیش نیاید.

البته استثناا «ستاره بسپانی» در فیلم «یدو» متولد تهران است؛ اما لهجه آبادانی را خوب درآورده است.

صحنه‌ای که هر دو فیلم از افراط در جلوه‌های ویژه، صحنه‌های اکشن و انفجارهای مهیب پرهیز کرده‌اند.

به باور بنده، این دو فیلم از این نظر نسبت به فیلم‌های پرخرج، پرستاره و پرتکنیکی مانند «دوئل» در جایگاه بالاتری ایستاده‌اند.